آرمان ملی
armanmeli.ir
سال پنجم
شماره ۱۲۸۴
پنجشنبه
۱۴۰۱•۰۳•۰۵
۲۴ شوال ۱۴۴۳/ ۲۶ می ۲۰۲۲

گفت و گو

صلاح‌الدین هرسنی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

عبور از بحران با «هم‌افزایی» منطقه‌ای میسر است

اتکا به ظرفیت‌های مردمی در دستور کار قرار گیرد

آرمان ملی - علیرضا پورحسین: تعدد وقوع حوادث و سوانح در یک کشور مشخصا می‌تواند در ابعاد سیاسی و بین‌المللی تبعاتی داشته باشد و از توان یک کشور در مسیر رسیدن به توسعه و پیشرفت بکاهد. مشخصا در چنین عرصه‌ای مقوله‌هایی همچون پیشگیری، آموزش و هم‌افزایی اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند تا دولت‌ها بتوانند با اتکا به این مولفه‌ها در مسیر پیشرفت و عبور از بحران‌ها گام بردارند. امری اجتناب‌ناپذیر که نخستین گام در راه رسیدن به آن مردم هستند و دولت‌ها باید از ظرفیت‌های مردمی در این عرصه استفاده کرده تا بتوانند به نتیجه مطلوب و موفقیت رسیده و گرفتار حوادث و سوانح متعدد نشوند. سوانح و حوادثی که مشخصا بسیاری از آن‌ها با هم‌افزایی داخلی و خارجی قابل پیشگیری است.. در راستای بررسی این مساله «آرمان‌ملی» گفت‌وگویی با دکتر صلاح‌الدین هرسنی، کارشناس و تحلیلگر مسائل سیاسی داشته است که در ادامه می‌خوانید:

دولت با اتکا به چه مولفه‌هایی می‌تواند کشور را به سمت توسعه سوق داده و از مشکلات پیش‌رو عبور دهد؟

متأسفانه در سال‌های اخیر کشور ما درگیر اتفاقات و مشکلات زیادی بوده است؛ اتفاقاتی همچون زلزله‌های بم، کرمانشاه، سیل ۱۳۹۸ در اغلب استان‌ها به ویژه در استان‌های فارس و خوزستان و لرستان، حادثه پلاسکو و آلودگی هوای کلانشهرها، مشکل ترافیک، مشکل ریزگردها و ده‌ها مشکل دیگر نتوانست بر تجارب مسئولان و متصدیان حل بحران و چگونگی فایق شدن بر آن‌ها بیفزاید. در شرایط حاضر، مهم‌تر از فاجعه اسفناک و تراژیک متروپل در آبادان، چگونگی حل بحران و مدیریت نجات است. متأسفانه خبر می‌رسد که روندهای نجات برای افراد در آوار آهن و بتون برج متروپل آبادان به کندی پیش می‌رود و حتی سخنی از مفقودی برخی از هموطنان در این آوار به میان آمده است. در این میان فقط یک خبر پر از ابهام به کرات رسانه‌ای شده است که مربوط به پیمانکار برج متروپل است که گفته شده است حسین عبدالباقی نیز یکی از کشته شدگان این حادثه دردناک است. از منظر علت شناسی، مدیریت بحران و مدیریت نجات هم متأسفانه همچون زایش و وقوع بحران متروپل، ناشی از دومینوی همان مشکلاتی است که ریشه تاریخی دارد و دولت سیزدهم باید در ادامه، این مسیر را اصلاح کند و از مردم نیز در این مسیر استفاده کند که به نظر می‌رسد با تلاش و مدیریت یکپارچه می‌تواند پایانی داشته باشد.

غفلت از چه مواردی در مدیریت جوامع سبب شده است تا در این عرصه مشکلاتی ایجاد شود؟

ما وقتی از شهر خود طبق رابطه گرایی و سودجویی و خارج از هر گونه از الگوهای مربوط به مبلمان شهری، جنگلی پر تراکم از بتون و آهن و شهر بی‌دفاع می‌سازیم، چگونه لودر یا بولدوزری باید بتواند در میان کوچه‌های تنگ و پر تراکم، آواربرداری کند؟ چگونه قرار است آمبولانسی مصدومان را در خیابان‌های پرترافیک برای نجات به بیمارستان برساند؟ چرا در حل مدیریت بحرانی چون متروپل، به جای تخصص گرایی، بیشتر روندهای کمک‌رسانی فقط به همیاری داوطلبانه و ایثارگونه هموطنان محدود شد؟ چرا باید فقط هنگام بحران، به فکر مدیریت بحران باشیم و چرا نباید علاج واقعه را قبل از وقوع پیدا نکنیم؟ چرا وقوع بحران پلاسکو در مدیریت بحران، برای دست اندرکاران ما مایه درس عبرت نشد که برجی چون متروپل در آبادان در تراکم ساختمان‌های شهر ساخته نشود تا به موقع بحران، هموطنان ما در زیر آوار نمانند . به نظر نمی‌رسد که این دست از حوادث بتواند برای ما درس عبرت شود و به نظر نیز نمی‌رسد که حادثه متروپل آخرین سناریو از مدیریت سنجی در حل بحران‌هایی از این دست شود.

هم‌افزایی بین دولت‌ها می‌تواند در زمینه عبور از بحران‌ها تسهیلگر باشد؟

حادثه متروپل به رغم همه تراژیک و غمبار بودن آن باید حامل یک پیام اخلاقی و انسانی نیز برای مردم کشور ما باشد. این پیام اخلاقی و انسانی همان خون و جراحتی است که سینه‌های مردم کشور ما را مالامال از درد کرده است و خود به یک داستانی پر آب چشم شده است. وقتی حادثه پر آب چشمی چون متروپل دل هر شخصی را به درد آورده است، چرا نباید دلی از خرابی ساختمان‌ها، سکونتگاه‌ها، بیمارستان‌ها، آوارگی و کشتارها در سایر نقاط جهان به درد نیاید؟ می‌توان با اتکا به مراودات سیاسی و دیپلماتیک در این عرصه، به سمت صلح و آرامش در جهان حرکت کرد و دستاوردهای خوبی برای خود و سایرین داشته باشیم. بنابراین هم‌افزایی بین دولت‌ها می‌تواند در زمینه عبور از بحران‌ها تسهیلگر باشد.

با تاکید بر حل مشکلات و ایجاد امید مطرح شد:

مردان روحانی در مسیر کمک به دولت رئیسی

آرمان ملی: حسن روحانی با اینکه دیگر رئیس‌جمهور نیست اما وظیفه خود می‌داند تا به کمک ارکان مختلف کشور رفته و در همفکری با شماری از اعضای کابینه‌های یازدهم و دوازدهم خود به ارائه راهکارهایی برای حل مشکلات کشور بپردازد. تاکنون چند جلسه برگزار شده و در آخرین جلسه مسائل و مشکلات جاری و موضوعات مهم کشور را مورد بررسی قرار دادند. در این نشست برخی از وزرای سابق گزارش‌هایی ارائه کردند. دکتر حسن روحانی در ابتدای این نشست ترور مذبوحانه شهید حسین صیاد خدایی را محکوم و اهداف این حرکات که از سوی دشمنان انقلاب و ملت انجام می‌گیرد را ضربه به نظام جمهوری اسلامی ارزیابی کرد و گفت: این حرکات غیر منطقی کور و شکست خورده است. وی شهادت پاسدار مدافع کشور شهید حسین صیاد خدایی را به رهبر معظم انقلاب، همه آحاد ملت شریف ایران، نیروهای سپاه پاسداران و خانواده عزیز وی تسلیت گفت. رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم همچنین با ابراز تاسف از حادثه ریزش ساختمانی در آبادان که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از هموطنان شد به خانواده‌های عزیزان درگذشته تسلیت گفت و برای مجروحان نیز آرزوی سلامتی و بهبودی کرد. روحانی همچنین با تبریک سالروز سوم خرداد، سالگرد آزاد سازی خرمشهر، اولویت امروز کشور را ایجاد فضایی برای خروج از تنگناها و مشکلات دانست و گفت: حفظ و تقویت انسجام کشور را مهم‌ترین مساله و اولویت امروز همگان است و ایجاد اختلاف و چنددستگی در کشور فضای پرتنش سیاسی ایجاد می‌کند و مردم را سرخورده و نگران و ناراحت می‌کند. وی تاکید کرد: مردم انتظار اتحاد مسئولان و فعالان سیاسی برای رفع مشکلات و پرهیز از اختلاف و دوگانگی را دارند.

لزوم ایجاد امیدآفرینی بین مردم

رئیس دولت تدبیر و امید، ایجاد امیدآفرینی بین مردم را یک ضرورت دیگر دانست و گفت: پرهیز از اختلاف و ایجاد انسجام بین مردم امید ایجاد می‌کند. روحانی در ادامه گفت: نیاز امروز کشور گشایش اقتصادی، رفع عزتمندانه تحریم‌ها و رفع برخی تنگناهای اقتصادی و ایجاد سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی است. این ضرورت باید مورد توجه همه دغدغه‌مندان نظام قرار گیرد. وی تاکید کرد: رفع عزتمندانه تحریم در مذاکرات موثر از اولویت‌های ایجاد گشایش اقتصادی است.

وی اظهار داشت همه ما فارغ از سلایق و دیدگاه‌های سیاسی و اختلاف نظرهای احتمالی موظفیم که به دولت سیزدهم کمک کنیم. مردم نیز همین انتظار را از ما دارند. از این منظر دولت دوازدهم کمک به دستگاه اجرایی برای رفع مشکلات را وظیفه خود می‌داند.

هیات رئیسه مجلس مشخص شدند

قالیباف رئیس ماند

نایب‌رئیسی به علی نیکزاد و عبدالرضا مصری رسید

آرمان ملی: محمدباقر قالیباف توانست رأی اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای تصدی پست ریاست مجلس را کسب کند. محمدباقر قالیباف ۱۹۴ رأی از ۲۸۱ رأی مأخوذه را به دست آورد. فریدون عباسی، مرتضی آقاتهرانی و الیاس نادران نیز دیگر کاندیداهای ریاست مجلس شده بودند که عباسی ۳ رای، آقاتهرانی ۵۳ رأی و نادران ۲۱ رأی به‌دست آوردند. آرای باطله نیز ۱۰ رأی بود. نمایندگان مجلس در سال اول و هشتم خرداد ۹۹ «محمدباقر قالیباف» را با ۲۳۰ رأی از مجموع ۲۶۴ رأی مأخوذه به عنوان رئیس مجلس انتخاب کرده بودند. پنجم خرداد ماه ۱۴۰۰ در دومین دوره انتخابات هیات رئیسه مجلس هم که برای اولین بار انتخابات هیات رئیسه به صورت الکترونیکی برگزار شد، قالیباف در رقابت با فریدون عباسی با ۲۳۰ رأی در برابر ۱۸ رأی پیروز و برای دومین بار رئیس مجلس شده بود. پیش‌تر حسینعلی حاجی دلیگانی در نشست علنی چهارشنبه، ۴خردادماه مجلس شورای اسلامی، کاندیداهای گزینه ریاست مجلس برای اجلاسیه سوم مجلس یازدهم را معرفی کرد که براین اساس محمدباقر قالیباف، فریدون عباسی دوانی، مرتضی آقاتهرانی و الیاس نادران به عنوان کاندیداهای ریاست اعلام شدند. بر اساس آیین‌نامه داخلی مجلس، انتخاب رئیس در نوبت اول با اکثریت مطلق آرای نمایندگان و انتخاب نواب رئیس، دبیران و ناظران هر کدام جداگانه و با اکثریت نسبی و رأی مخفی و با ورقه خواهد بود. در صورتی که در انتخاب رئیس در نوبت اول اکثریت مطلق حاصل نشود، در نوبت دوم اکثریت نسبی کافی خواهد بود. تبصره ۱ – چنانچه آرا برای رئیس، نواب رئیس، دبیران، ناظران با یکدیگر برابر باشد، حسب مورد به قید قرعه تعیین می‌شوند. تبصره ۲ – در صورتی به فرد غایب در جلسه می‌توان رأی داد که قبل از تشکیل جلسه مربوط به انتخابات هیات رئیسه، کتباً نامزدی خود را به معاونت قوانین مجلس اعلام کرده باشد. تعداد کل آرای مأخوذه، ۲۷۵ رأی بود که تعداد آرای سایر کاندیداها به ترتیب مجتبی ذوالنوری ۱۳۵ رأی، ابراهیم عزیزی نماینده کرمانشاه ۴۷ رأی و هاجر چنارانی ۶ رأی بوده است.

انتخاب نواب رئیس مجلس

برای انتخاب نواب رئیس، علی نیکزاد و عبدالرضا مصری کاندیدا شدند که هر دو ۱۶۸ رأی به‌دست آوردند که برای تعیین نایب‌رئیسی اول، بین آن‌ها قرعه‌کشی صورت گرفت و نیکزاد برای دومین سال پیاپی به عنوان نایب‌رئیس اول مجلس تعیین شد.

چرا به قالیباف رأی دادم؟

ولی اسماعیلی یکی از نمایندگان مجلس گفت: «دو عامل اصلی در رأی‌آوری بالای آقای قالیباف بسیار تعیین‌کننده بود؛ نخست آنکه آقای قالیباف با نامزد نشدنش در انتخابات ریاست‌جمهوری نشان داد که تمام سفرهای استانی و تمام اقداماتی که در سال اول مجلس انجام داد انتخاباتی نبوده است و همه روحیه جهادی او را تحسین کردند و همگان دریافتند که آقای قالیباف صرفا برای مردم کار می‌کند و حب هیچ امر دیگری را ندارد. نمایندگان ایثار آقای قالیباف را کاملا دریافتند، این روحیه را تحسین کردند و به او رأی بالا دادند.» او ادامه داد: «نکته دوم آن است که عملکرد مجلس به ریاست آقای قالیباف در سال اول هم بسیار مثبت ارزیابی می‌شود. همه دیدند که با ریل‌گذاری مناسب مجلس زمینه مواجهه مقتدرانه با کشورهای غربی ایجاد شد و با مصوبه مجلس غربی‌ها متوجه شدند که نمی‌توانند هر طور می‌خواهند با ایران رفتار کنند. از طرفی مجلس دولت بی‌عمل آقای روحانی را وادار به حرکت کرد؛ هرچند دولت بازهم آن‌طور که باید و شاید عمل نکرد اما مجلس تمام تلاشش را کرد که بدون تقابل با دولت آن را وادار به حرکت کند. مجلس در سال اول در حوزه معیشت هم بسیار موثر عمل کرد قوانینی وضع کرد که اوضاع مردم بهتر شود. همین وضع مالیات بر خانه‌های بی‌ساکن اقدامی بود که به نفع فرودستان انجام شد.» این نماینده مجلس درباره رأی قاطع نمایندگان به قالیباف اظهار کرد: «در مجلس به هر حال اختلاف نظر وجود دارد اما همه نمایندگان با وجود این اختلاف‌ها آقای قالیباف را شایسته ریاست می‌دانند. مهم این است که آقای قالیباف می‌تواند به بهترین شکل مجلس را اداره کند و برای نمایندگان در انتخاب رئیس مجلس این موضوع بسیار مهم است. ما دیدیم که آقای قالیباف به‌رغم هجمه‌های نیروهای سیاسی نزدیک به دولت و اصلاح‌طلب مورد قبول اکثریت قاطع نمایندگان مجلس است و او در یک اتفاق نادر در سال دوم با رأی بیشتری نسبت به سال اول انتخاب شد.» او درباره ارتباط صمیمی و مناسب قالیباف با تمام نمایندگان مجلس تصریح کرد: «من هم تجربه ریاست آقای لاریجانی بر مجلس را دارم هم ریاست آقای قالیباف را. به هر حال میان این دو بسیار فرق است. آقای قالیباف در بستری انقلابی و جهادی پرورش یافته است و هم‌رزم سردار دلها شهید سلیمانی بوده است. من اهل تعارف نیستم اما واقعیت این است که روحیه انقلابی آقای قالیباف در تمام ابعاد کاری‌اش دیده می‌شود. او شوکتی که برای رئیس مجلس در نظر گرفته می‌شد را کنار زده است و به راحتی به کمیسیون‌ها می‌آید و بی‌هیچ غروری با همه نمایندگان حرف می‌زند و ارتباط بسیار صمیمی‌ای با همه نمایندگان از هر طیف سیاسی دارد.» اسماعیلی در پایان در پاسخ به این پرسش که اگر دولتی انقلابی روی کار آید آیا مجلس برای اجرای مصوبات خود مسیر راحت‌تری خواهد داشت، گفت: «ما امیدواریم یک دولت جوان انقلابی شکل بگیرد که در آن صورت در هماهنگی با مجلس انقلابی می‌توان امید داشت که با فساد، تبعیض و نابرابری مبارزه شود. ما امیدواریم بعد از سال‌ها مردم طعم روحیه انقلابی را بچشند که این شرایط میسر نمی‌شود مگر در همکاری کامل مجلس و دولت انقلابی.»

باید دشواری‌ها را تحمل کرد

مردم از گرانی رنج می‌برند و دولت هم سعی می‌کند وضعیت اقتصادی را سامان دهد. فعال و تحلیلگر سیاسی، درباره این موضوع گفت: «مسلم است که دولت طرحی را پیش گرفته تا بتواند از چالش‌های گذشته اقتصادی بیرون آید و راه سخت و دشواری را آغاز کرده است. مردم در این شرایط باید قدری دشواری‌ها را تحمل کنند تا از این شرایط عبور کنیم و به آرامشی اقتصادی برسیم. به هر حال این راه هم برای دولت و هم برای مردم دشوار و دارای چالش‌هایی است؛ پس هم دولت باید به بهترین شکل کارها را جلو ببرد و هم صبر و تحمل داشته باشند.» حسین ابراهیمی ادامه داد: «ما مردم نجیبی داریم؛ مردمی که همیشه در سختی‌ها پشت نظام ایستاده‌اند. اکنون مردم در سختی هستند و مسئولان هم باید به سرعت برای بهبود اوضاع اقتصادی طبقات ضعیف فکری کنند.» این فعال سیاسی همچنین بیان کرد: «نیت دولت خیر است و اکنون در میانه یک اقدام بزرگ اقتصادی هستیم که انشا... با صبر و تحمل مردم، دولت به اهداف مورد نظر می‌رسد.»

اصلاح‌طلبان دچار لکنت زبان نباشند

اکنون سیاسیون فارغ از اصلاح‌طلب یا اصولگرا بودن در اندیشه امیدوار کردن مردم برای عبور از مقطعی هستند که با مشکلات اقتصادی مواجهیم. فعال سیاسی اصلاح‌طلب گفت: اصلاح‌طلبان می‌توانند به حرکتی برای قانع کردن افکار عمومی و بازسازی اعتماد از دست رفته امیدوار باشند. به نظرم برای جلب اعتماد جامعه، آنها باید برای نقد وضعیت موجود دچار لکنت زبان نباشند و با صراحت و شفافیت بیشتر وضعیت فعلی را مورد نقد قرار دهند. محسن آرمین ادامه داد: بسیار می‌شنویم که می‌گویند راهبرد اصلاح‌طلبی چیست؟ من در مقامی نیستم که بخواهم به این سوال پاسخ دهم، اما بگذارید جواب آن را با طرح سوال دیگری دهم و آن اینکه راهبرد جریان بنیادگرا چیست؟ و کدام یک راهبرد موفق‌تر و کارآمدتری برای خروج کشور از شرایط موجود دارند؟ وقتی این گونه نگاه کنیم از شدت عدم اعتماد به نفس‌مان کاسته خواهد شد، چراکه پی می‌بریم دیگر جریانات هم راهبرد موثری برای خروج از این وضعیت ندارند با این تفاوت که ما برخلاف آنها، دست‌کم تجربه موفقی در هشت سال اداره کشور داشته‌ایم.

مردم آبادان و خرمشهر هنوز وضعیت جنگ‌زدگی دارند

مردم جنوب کشور در این روزها داغدار هستند. داغدار از دست دادن عزیزانشان در حادثه تخریب ساختمان متروپل. آیت‌ا... احمدی شاهرودی نماینده مجلس خبرگان رهبری استان خوزستان نوشت: به من می‌گویند اگر برای حادثه آبادان پیامی صادر کنید خوب است، چه پیامی صادر کنم جز عرض تسلیت و همدردی با مردم مظلوم و محروم آبادان و خرمشهر که بعد از ده‌ها سال از پایان جنگ تحمیلی هیچ کار اساسی و درخور شان برایشان انجام نشده، هنوز وضعیت جنگزدگی دارند. مسئولین امر هم می‌دانند و کاری نمی‌کنند. وقتی هم حرفی می‌زنیم می‌گویند کارهای اجرایی به خبرگان مربوط نیست دخالت نکنید و حتی مسئولین استانی پاسخ تلفن ما را هم نمی‌دهند یا به زحمت می‌دهند. در این اوضاع و احوال پیام مطالبه‌گری از مسئولین امر دردی دوا نمی‌کند چون خودشان می‌دانند و چاره‌جویی نمی‌کنند فقط باید گفت انالله و اناالیه راجعون. خداوند درگذشتگان این حادثه مولمه را رحمت و به مجروحین شفای عاجل و به بازماندگان پاداش صابرون بغیر حساب عنایت فرماید.

گزارش

تحریف علنی وضعیت اقتصادی چه سودی دارد؟

اعتدال را ببین، اصلاحات را پسند کن!

آرمان ملی : یا نمی‌دانند یا می‌دانند و می‌خواهند خود را به ندانستن بزنند. بررسی اقتصادی دولت‌های مختلف از دولت اصلاحات تا پایان دولت روحانی امر مشکلی نیست. در زمینه رشد اقتصادی دولت‌های پنجم و هشتم به‌طور میانگین بالاترین نرخ را به خود اختصاص داده‌اند و دولت‌های دهم و دوازدهم پایین‌ترین نرخ رشد را داشته‌اند. بررسی روند ۳۰ ساله تورم نشان می‌دهد که یکی از قله‌های تورمی مربوط به دولت ششم و در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۷۰ بوده و دومین قله تورمی مربوط به سال‌های نخست در دولت دوازدهم است. کاهش نرخ رشد اقتصادی در دو مقطع سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ و سال‌های ۹۷ و ۹۸ همزمان با اعمال تحریم‌های خارجی بر اقتصاد کشور و شوک ارزی اتفاق افتاد. روندی که به اعتقاد کارشناسان اثر آن در سال ۹۹ تخلیه شد و تحریم‌ها حداکثر فشاری را که می‌توانست به اقتصاد ایران وارد کند، وارد کرد. نکته قابل توجه دیگر این است که اوایل دهه ۹۰ در دولت دهم یعنی زمانی که درآمدهای نفتی کشور به نقطه اوج تاریخی خود رسید، نرخ رشد اقتصادی کاهش یافت و به منفی ۶,۷ درصد رسید. اما مطابق بررسی‌ها بالاترین نرخ رشد اقتصادی متعلق به دولت پنجم و در زمان ریاست‌جمهوری مرحوم آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی بوده است که نرخ رشد به‌طور متوسط (در حدفاصل سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲) ۹,۶ درصد بوده است. این نرخ در دولت دوم مرحوم آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی کاهش محسوسی داشت و به ۴,۲ درصد رسید. رشد اقتصادی در این سال‌ها عمدتا مدیون سیاست‌های نوسازی پس از جنگ از سوی دولت بود که یکباره باعث جهش رشد در آن سال‌ها شد. اما کاهش رشد اقتصادی در دولت ششم همزمان بود با تورم فزاینده در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۷۰. در دولت پنجم متوسط نرخ تورم حدود ۱۸ درصد بود که در دولت ششم در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ به‌طور میانگین به بیش از ۳۲درصد رسید که یکی از قله‌های تورمی در سه دهه گذشته است. در ادامه تورم سالانه در دولت‌های هفتم و هشتم روند نزولی به خود گرفت و یکی از پایین‌ترین تورم‌ها در سه دهه گذشته را ثبت کرد. این در حالی بود که رشد اقتصادی در این دوره هم صعودی بود. در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ یعنی دولت هفتم نرخ رشد اقتصادی به‌طور میانگین ۳,۴ درصد بود که این نرخ در چهار ساله دولت هشتم به‌طور میانگین به ۷,۲ درصد رسید که بعد از دولت پنجم، بالاترین میزان نرخ رشد است. اما این روند رشد اقتصادی در دولت‌های نهم و دهم متوقف شد و همزمان تورم هم رو به افزایش گذاشت. میانگین نرخ رشد در دولت اول محمود احمدی‌نژاد ۵,۵ درصد بود که این عدد در دولت نهم به ۲,۰۶ درصد رسید که البته در برخی از سال‌ها در این دولت نرخ رشد به کمتر از صفر هم رسید و منفی شد. نرخ متوسط تورم نیز در دولت نهم به ۱۶,۵ و در دولت دهم به ۱۸,۸ درصد رسید. اما در دولت یازدهم نرخ تورم در سال ۹۶ تک رقمی شد و به حدود ۹ درصد رسید. میانگین تورم در چهار سال اول دولت حسن روحانی به ۱۵,۸ درصد رسید و این عدد در چهار سال دوم یعنی دولت دوازدهم به ۲۷,۳ درصد رسید که عمدتا ناشی از تورم سال‌های ۹۷ و ۹۸ بود که به ترتیب رقم‌های ۳۱,۲ و ۴۱,۲ درصد را ثبت کرده بود. در چنین شرایطی دلواپسان اصولگرا به تحریف واقعیت اقتصادی می‌پردازند. آنها به نوشتار اسحاق جهانگیری، از مقامات دولت اصلاحات و معاون اول دولت اعتدال اشاره کردند که چنین بود: «سالگرد دوم خرداد و سرآغاز دولت اصلاحات است؛ دولتی که بهترین عملکرد اقتصادی را در میان دولت‌های چهل سال اخیر داشت. هر چند ربع قرن از آن روز می‌گذرد، اما تجربه دوران اصلاحات و دوم خرداد هنوز هم برای جامعه و دولتمردان امروز می‌تواند راهگشا باشد؛ دولتی که تنش‌های خارجی را به حداقل رساند، در عرصه‌های فرهنگی و علمی امکان بروز خلاقیت و شکوفایی را به جوانان داد، سطح مشارکت آحاد و گروه‌های اجتماعی را در توسعه کشور بالا برد و اقتصاد را به‌خوبی سامان داد. این دولت برنامه سوم را که به عنوان برنامه اصلاح ساختاری نام گرفت، تدوین، تصویب و اجرا کرد که شاخص‌های عملکرد آن در میان همه برنامه‌های توسعه بسیار درخشان است. پیشرفت اقتصادی آن سال‌ها را مدیون این شرایطی بودیم که دولت اصلاحات رقم زد. امروز هم اگرچه شرایط تحریم، مشکلات اقتصادی را تشدید کرده است، اما هنوز هم می‌توان از تجربه آن سال‌ها بهره گرفت.»

تحریف واقعیت اقتصادی

مشرق نوشته است: «ما به مخاطبان محترم پیشنهاد می‌کنیم که پس از خوانش این اظهارات جهانگیری به ۲ سؤال بیندیشند و یا در صورت امکان پاسخ آنها را از آقای جهانگیری مطالبه کنند: یکم: اگر آنچه جهانگیری درباره بهینه بودن عملکرد اقتصادی دولت اصلاحات ادعا می‌کند صحّت دارد پس چرا مردم در انتخابات دولت نهم که پس از دولت اصلاحات و در سال ۸۴ برگزار شد؛ نه تنها هیچ چهره اصلاح‌طلب و یا حتی متمایلی به جریان چپ را انتخاب نکردند بلکه به منتهی‌الیه قطب مخالف اصلاح‌طلبان یعنی محمود احمدی‌نژاد رأی دادند و چرا مردم از سال ۸۴ به این‌سو هرگز و در هیچ انتخاباتی به‌صورت اکثریتی به اصلاح‌طلبان رأی نداده‌اند؟ به سخن دیگر اینکه چرا مردم نخواسته‌اند آن شکوفایی اقتصادی که آقای جهانگیری ادعا می‌کند، تکرار شود؟! و دوم: اگر ادعای جهانگیری راست است و هنوز هم می‌توان از تجربه آن سال‌ها بهره گرفت(!) پس چرا این تجربه مشعشع اقتصادی در دولت اعتدال که جایگزین خلف اصلاح‌طلبان بود و رجال اصلی آن نیز همگی بالاتفاق اصلاح‌طلب بودند؛ نصب‌العین قرار نگرفت؟ یعنی چرا آقای جهانگیری چیزی را برای شرایط کشور تجویز می‌کند که خود در طول ۸ سال معاون اولی دولت روحانی حاضر به تکرار آن نبوده است؟ این سوال البته یک فرض دیگر هم دارد. و آن اینکه شاید جهانگیری و دوستان او در دولت اعتدال مدل اقتصادی اصلاحات را پیاده‌سازی کردند که به فرجام کارنامه مردودی در پایان دولت اعتدال ختم شد...»